سرمقاله

چشم انداز آینده‌ی صلح در افغانستان

مهدی مدبر

دولت افغانستان برای آوردن صلح در کشور با چالش ها و دشواری های زیاد مواجه بوده است، پیچیدگی مسئله صلح در افغانستان و عدم تمایل مخالفان دولت به گفتگوهای مستقیم از عمده ترین چالش ها بوده اســـت. در یک سال گذشته که شورای عالی صلح با ترکیب جدید به فعالیت آغاز کرد، تلاش های در جریان بود که گفتگوهای صلح بین الافغانی شـــود و گفتگوها بصورت مستقیم بین دولت افغانستان و مخالفانش صورت گیرد. امضای توافق نامه صلح با حزب اسلامی یکی از نتایج این تلاش ها بوده است.

اما با در گذشت رئیس شـــورای عالی صلح، چشم انداز آینده‌ی صلح و راهبرد صلح در کشـــور، یکبار دیگر با چالش مواجه می شود و سرنوشت گفتگوهای صلح و تلاش برای ختم جنگ با ابهام مواجه می گردد. اکنون یکی از سئوال های جدی این است که چه کسی به عنوان رئیس شـــورای عالی صلح از سوی رئیس جمهور برگزیده می شود؟

انتخاب رئیس برای شورای عالی صلح همواره دشواری های خود را داشته است. مصلحت های سیاسی همواره در این مورد نقش پر رنگ داشـــته است. هم حکومت قبلی و هم حکومت وحدت ملی، تلاش کردند که ترکیب و هیئت رهبری شـــورای عالی صلح را با در نظر داشت مصلحت های سیاسی کشور، برگزینند و به همین خاطر همواره رئیس و اعضای این شـــورا از بین رهبران سنتی و افراد با نفوذ در جامعه، برگزیده شده است.

حکومت افغانستان با انتخاب رهبران سنتی در راس و در ترکیب شـــورای عالی صلح، در واقع می خواست که مسئله ی جنگ در افغانستان را با استفاده از روش های سنتی حل منازعه در جامعه ی افغانســـتان حل کند. رجوع به رهبران و افـــراد با نفوذ برای حل معضلات اجتماعی، یـــک روش دیرینه حل منازعه در جامعه افغانستان است. حکومت افغانســـتان نیز می خواست از نفوذ و تاثیر گذاری این رهبران برای آوردن صلح در کشور استفاده کند و به همین خاطر رهبران ســـنتی و افراد بـــا نفوذ اجتماعی را در ترکیب شورای عالی صلح انتخاب کرد.

اما با نگاهی به عملکرد چند ســـاله ی شورای عالی صلح به این نتیجه می رســـیم که این روش و رویکرد برای رســـیدن به صلح در کشور موثر نبوده است و نتوانســـته است گره کور جنگ در افغانســـتان را بگشـــاید. حل منازعه به روش سنتی و با مراجعه به رهبران و افراد با نفوذ در مســـایل اجتماعی موثر بوده است، اما منازعات و معضـــلات اجتماعی با این روش هیچگاه به صورت اساســـی و بنیادی حل نگردیده اســـت و ریشه و عمق معضلات همچنان باقی مانده است؛ به همین صورت کاربرد این روش برای آوردن صلح در کشـــور و ختم جنگ نیز موثر نبوده و چشم انداز آینده ی صلح را با ابهام مواجه کرده است. به همین خاطر اکنون ضرورت تغییر راهبرد و شـــیوه ی رسیدن به صلح و ختم جنگ، احساس می شود.

حکومت افغانســـتان برای رسیدن به صلح و پایان دادن به جنگ باید نگاه خود را به مسئله ی صلح تغییر دهد و روش های سنتی حل منازعه برای رســـیدن به صلح را کنار بگذارد. تغییر نگاه به مســـئله ی صلح و طرح یک راهبرد متفاوت برای رسیدن به آن زمانی بوجود می آید که ترکیب شـــورای عالی صلح تغییر کند و از حالت ســـنتی خارج شود و افراد متخصص و استراتیژیست در ترکیب این شورا قرار گیرد.

درســـت اســـت که رهبران ســـنتی از نفوذ بالای در جامعه ی افغانستان برخوردار است، اما متاسفانه آنها از طرح راهبرد موثر برای رســـیدن به صلح عاجز بوده اند و در نبود چنین راهبردی تلاش ها برای رسیدن به صلح به ناکامی انجامیده است و با دست آورد قابل ملاحظه ی همراه نبوده است.

حکومت افغانستان نیاز دارد تا افرادی را در ترکیب شورای عالی صلح قرار دهد که پیچیدگی های مســـئله صلح در کشور را درک کنند و برای عبور از این پیچیدگی بتوانند راهبرد و اســـتراتیژی موثر طرح کنند. تخصص گرایی در شـــورای عالی صلح می تواند چشم انداز آینده ی صلح و ختم جنگ در کشور را روشن سازد و امیدواری به ختم جنگ در کشور را افزایش دهد.

چرا از دموکراسی می ترسیم؟

رضا احسانی

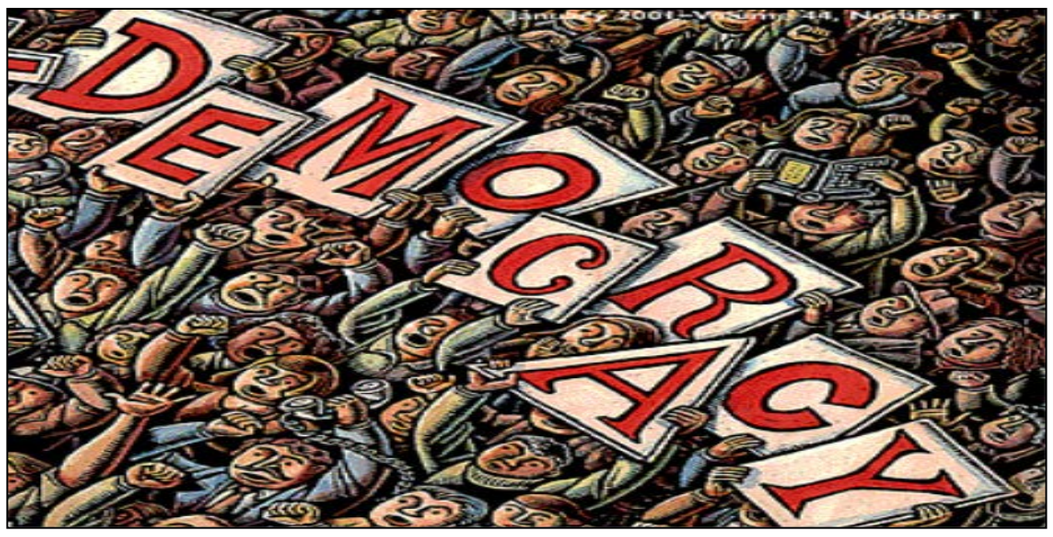

دموکراســـی یـــک فرهنـــگ و راهکار سیاســـی، فرهنگی بـــرای حفظ امنیت، ثبات و فراهم آوری زمینه های توســـعه همه جانبه در کشورها می باشد. ناکامی نظام های اســـتبدادی و توتالیتر، وقوع کودتاهـــا، شـــورش ها و انقـــلاب های خونین در این کشـــورها وعقب ماندگی های دوامدار فرهنگی و اقتصادی، سبب شد که فلاسفه و دانشـــمندان سیاسی نظامهای گوناگونـــی را برای حفظ نظم و ثبات در جامعه پیشـــنهاد نمایند. در این میان دموکراسی که طی سال های طولانی در کشورهای اروپایی مورد پذیرش قرار گرفت، بهترین دستاورد را در زمینه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی در این کشورها بجا گذاشته است.

اساس دموکراسی بر تفکیک قوا و توزیع عادلانه امکانات و فرصتهای دولتی استوار می باشـــد. در نظام دموکراسی، دولت به ســـه قوای جداگانه تقسیم می شود، قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضاییه. در قانون اساســـی صلاحیت ها و مسؤلیت های هر یک از قوا توضیح داده می شـــود. و هیچ یک از قـــوای فوق در حیطـــه وظایف و صلاحیت های قوای دیگـــر دخالت نمی کند و این تفکیک به گونه ای صورت می گیرد که هریک از قوا بـــه گونه ای روی قوای دیگر کنترل داشـــته باشد. تا اگر یکی از قوا از قانون ســـرپیچی کند، سایر قوا این صلاحیت را تحت شـــرایط خاص، داشته باشـــند که آن قوه را کنترل کرده و عاملان سرپیچی از قانون را به محکمه بفرســـتند. در نظام دموکراسی قانون بر همگان یکســـان تطبیق می شود و همه شـــهروندان اعم از دولتمردان، سرمایه داران و شـــهروندان عادی در برابر قانون مساوی می باشند. حتا رییس جمهور به عنوان فرد اول مملکـــت نیز حق ندارد، فراتر از قانون عمل کرده و یا آن را نادیده بگیرد.

تفکیک قوا یک تـــوازن منطقی و معقول میان قوای سه گانه به وجود می آورد و از تمرکز قدرت به دست یک قوه جلوگیری می کند. توزیع عادلانه قدرت که محصول مشـــارکت عادلانه اقوام، اقشار و طیف های گوناگون اجتماعی در قدرت اســـت، سبب می شود که شهروندان همه خود را در قدرت سهیم بدانند و برای توانمندی دولت و اطاعـــت از قوانین تلاش نمایند.

وقتی رضایت مردم جلب شود و شهروندان رضایتمندانه از دولت اطاعت کنند، دیگر خطر انقلاب، شورش، کودتا و نا فرمانی هـــای اجتماعی، اقتدار مرکزی را تهدید نمی کند.

مشـــروعیت دولت که از اراده ملی نشأت می گیرد و ارائه خدمات ســـازنده و کارساز از سوی دولت برای مردم، ارتباط و اعتماد مردم و دولت را روز به روز مستحکم تر می کند و همکاری مشترک میان دولت و مردم را در مسایل مختلف ملی دوامدار می سازد. در دموکراسی در ابتداء حقوق و آزادی های اساسی شهروندان به رسمیت شناخته می شود. همه مردم یکسان و مساوی پنداشته می شـــود و هیچ فرد، گروه و کتله ای حق امتیازات ویژه از امکانـــات ملی را ندارد. در نظام دموکراسی همه شهروندان درجه یک به شـــمار می آید و تقســـیم آنها به شهروند درجه یک، دو و سه با ارزش های دموکراســـی همخوانی ندارد. فرصت های ملی نیز بر مبنای لیاقت و شایســـتگی در اختیار همگان قرار می گیرد و وابســـتگی های قومی، نژادی، خانوادگی و گروهی در این زمینه نقش ندارند.

از طرف دیگر باید یادآور شد که دموکراسی در همه کشـــورها با دستاوردها و مؤفقیت های یکســـان و مشـــابه برخوردار نبوده است. دســـتاورد ها و مؤفقیت های نظام دموکراسی در کشـــور ها متفاوت بوده و از کشوری تا کشوری دیگر فرق می کند. این که دلیـــل این مؤفقیت ها و ناکامی ها چه بوده اســـت، نیازمند بحث طولانی در عرصه های سیاســـی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اســـت؛ ولی به طور اجمال و با توجه به همین تفـــاوت ها می توان گفت که دموکراسی پیش از آن که یک راهکار سیاسی برای نظم بخشی امورات اجتماعی و سیاســـی یک جامعه باشد، یک رویکرد فرهنگی برای تغییـــر ارزش ها، باورها و هنجارهای اجتماعی و سیاسی می باشد. به این خاطر تطبیق ارزش های دموکراسی در یک جامعـــه نیازمند پیشـــنیازهای فرهنگی اســـت که بـــا ارزش ها و اصول دموکراسی سازگاری داشته باشد. چنانچه ارزش های دموکراسی با فرهنگ و سنت های حاکم بر جامعه در تضاد قرار داشته باشد، پیاده سازی دموکراسی در جامعه با مشکلات و چالش های متعددی مواجه می شود.

افغانســـتان بیش از شـــانزده سال است که حاکمیت نظـــام دموکراتیک را تجربه می کند. البته نهادینه ســـازی ارزش های دموکراتیک در کشـــور در حال جنگ و یا پس از جنگ و با فرهنگ سیاسی محدود و ســـنتی، کار بس دشوار می باشد؛ اما به دلیل ایجاد همگرایی سیاســـی و سهیم شـــدن همه اقوام در قدرت، چاره ای جز پذیرش نظام دموکراتیک وجود نداشـــت. ختم جنگ های داخلی به مشارکت نسبی اقوام در قـــدرت و در تصمیم گیری های سیاسی بستگی داشت.

اما حاکمیت اســـمی نظام دموکراتیک در یک کشور با نهادینه سازی و تطبیق ارزش های آن فاصله ای زیاد دارد. وقتی فرهنگ دموکراتیک در جامعه ناشناخته و بیگانه باشد، تلاش ها در این عرصه باید از جانب حکومت، نهادهای دولتی، نخبگان سیاسی و فرهنگی و رســـانه های همگانی با دقت، برنامه ریزی و سیاســـت هـــای راهبردی همراه گردد.

مـــا در طی این ســـال هـــا دارای نظام دموکراتیـــک بودیـــم و قانون اساســـی بیشـــترین ارزش های دموکراسی را در نظر گرفته اســـت، ولی در عمل، سیاست ها و رویکردهای عمومی و رســـمی ما با اصول و مبانی دموکراسی کمتر سازگاری دارد. هنوز تمایل به انحصار قدرت وجود دارد. هنوز ثـــروت، امکانات و بودجه ملی در اختیار یک اقلیت می باشـــد و ســـایر مردم کمتر از آن بهره می برند. هنوز تفکر سلطه قومی و تباری مشکل جدی فراروی نظم، امنیت وعدالت اجتماعی به شمار می آید. قانون به صورت علنی از سوی افراد و نهادهای دولتی نادیده گرفته می شود. به تفکیک قوا و تقسیم وظایف و صلاحیت ها اهمیت داده نمی شود و متأسفانه مقامات بلند پایه حکومت، نماینـــدگان پارلمان و مســـؤلان قوه قضاییه خود بیشـــترین دخالت را در نقض قوانین داشته اند.

ما امروز بـــه راهی حرکت می کنیم که به هر اندازه آن را بپیماییم از دموکراسی و اصول آن فاصله می گیریم. ما از مســـیر دموکراســـی منحرف شده ایم و اراده ای هم در نزد دولتمردان و رهبران سیاسی برای حاکمیت نظام دموکراتیک در کشور وجود ندارد. تفکرات شـــخصی و تباری جای تفکرات ملی را گرفته است. به این خاطـــر فرایندهـــای دموکراتیک مرحله به مرحله با موانع و دشـــواری های جدی مواجه می شوند.

انتخابات که یکی از مهمترین اصول نظام دموکراتیک به شـــمار می آید، در نتیجه تقلب، تخلف و اختلافات عمیق و گسترده میان تیم های انتخاباتی به ابتذال کشیده شد. حکومت وحدت ملی به جای این که از آرای آزاد شـــهروندان نشأت بگیرد، براســـاس یک توافقنامه سیاســـی میان دو کاندیـــدای انتخاباتی بـــه وجود آمد. پارلمان زمان کاری اش به پایان رســـیده و به صـــورت غیر قانونی فعالیت می کند. مسؤلان قوه قضاییه که باید مشروعیتش را از پارلمان بگیرد، نیز با مشـــکل عدم مشروعیت روبرو می باشند.

نتیجه تلاش های همگانی برای حاکمیت نظام دموکراتیک در جامعه این شـــد که امروز ما با نهادهای غیر قانونی و نامشروع روبرو باشیم. با ادامه این وضعیت به طور قطع ما به دموکراسی نمی رسیم. اگر می خواهیم نظام دموکراتیک داشته باشیم، اگر این نظام را برای صلح، ثبات، امنیت و آبادانی کشور مفید می دانیم؛ باید مسیر دموکراســـی را با آگاهـــی و اراده جدی دنبال نماییم. نبایـــد در باره ارزش های دموکراسی گزینشی و موردی عمل کنیم؛ آنهایـــی را که به نفع خـــود بدانیم عمل کنیم و آنهایی را کـــه به نفع خود ندانیم به فراموشـــی بســـپاریم. امروز بسیاری از روندهـــای ملی به دلیـــل همین نگاه گزینشی به ارزش های دموکراسی تعطیل مانده است. کار سر شماری نفوس، توزیع شناســـنامه های الکترونیکـــی و تعدیل واحدهای اداری و... به دلیل رویکردهای تنگ نظرانه به جریان نمی افتند.

عوامل ناامنی اجتماعی در کشورهای در حال توسعه

قسمت اول

به نظر می‌رسد پس از اینکه امنیت فردی مورد شناســـایی قرار گرفـــت، افراد برای تحقـــق و تحکیم امنیـــت و جایگاه خود ناگزیر از عضویت در اجتماعات یا گروههای مختلف اجتماعی هســـتند. این ســـطح از امنیـــت تحت عنـــوان امنیت اجتماعی (Societal Security) مـــورد توجه و بحث قرار می‌گیرد. امنیت اجتماعی، نوع و سطحی از احساس اطمینان خاطر است که جامعه و گروه در آن نقش اساسی دارد.

تفاوت امنیت اجتماعی و تامین اجتماعی

در مقابل مفهـــوم امنیت اجتماعی که ناظر بر تدارک ســـلامت افراد جامعه در مقابل اقدامات خشـــونت آمیز و رفع دغدغه‌های ذهنی (احســـاس عدم امنیت) شهروندان اســـت، مفهوم تامین اجتماعی((Social Security فقط بـــه نگرانی‌ها و معضلات جامعه در موارد و مواقع خاص می‌پردازد.

بنابرایـــن ناامنی اجتماعـــی موردنظر این پژوهش عبارت اســـت از مجموعه حرکت های عمدی و تحـــولات عادی که اطمینان خاطر افراد و انسجام گروه های اجتماعی را مخدوش می‌سازند.

براساس چهار مولفه مذکور می‌توان تصریح نمود که امنیت اجتماعـــی مفهومی کاملاً متمایز از تامین اجتماعی می‌باشـــد. مرجع تامین اجتماعی فقط بخشی از افراد جامعه اســـت در حالیکه امنیت اجتماعی، کلیت جامعه را مد نظر دارد که در قالب گروههای مختلف اجتماعی خود نمایی می کنند.

تفاوت امنیت انسانی و امنیت اجتماعی

در مفهوم امنیت انســـانی بر مرجعیت فرد تاکید می‌شود و عنصر اساسی مورد نظر در این مفهوم، فرد است نه گروه و حتی جامعه.

تفاوت امنیت اجتماعی و امنیت ملی

امنیت ملی و امنیـــت دولت لزوماً به معنای امنیت جامعه نیست.

با وجود همپوشانی معنایی بین امنیت ملی، امنیت اجتماعی و امنیت فردی، باید توجه داشـــت که مرجع آن سه مفهوم متفاوتند؛ بدین مضمون که مرجع اصلی امنیت ملی، دولت و حاکمیت ملی اســـت، مرجع امنیت اجتماعی، جامعه است و مرجع امنیت فردی عبارت است یکایک شهروندان. در امنیت اجتماعی بر احســـاس امنیـــت گروه های اجتماعی، معیار سنجش، سطح امنیت است. اگر جمعیت تشـــکیل‌دهنده یک کشـــور نسبت به ارزشـــهای حیاتی مانند تمامیت ارضی و رژیم سیاسی احساس تعلق کرده و در احیاء و ارتقای هویت ملی بکوشـــند، انســـجام اجتماعی وجـــود دارد. اما اگر گروههای مختلـــف جامعه، اطمینان خاطر خود نسبت به ســـلامت جامعه را از دست بدهند و با تکیه بـــر وجوه تمایز مذهبی، دینی و قومی، در مشـــروعیت ارزش‌های حیاتی تردیـــد کنند، آنگاه نظام اجتماعی جامعه از هم گسیخته می‌شود و زمینه برای جنگ داخلی، مداخله خارجی، بی اعتمادی و امنیتی شدن مسائل عادی مهیا می‌شود.

امنیت اجتماعی به معنـــای تمهید فضا و ابزارهـــای لازم برای ابـــراز وجود و طرح نظر گروه هـــای مختلف اجتماعی از قبیل زنان، جوانان، اقـــوام و اقلیت‌ها، هنگامی موثر و مطرح اســـت که به عنوان یک امر گریزناپذیر یا یک ارزش پذیرفته شود.

امنیت اجتماعی مورد نظر، اطمینان خاطر جامعه در قبـــال تحولات عادی و تحرکات عمدی معطوف به ســـلامت و هویت خود اســـت. همانگونه که دیده می شود در این تعریف، هویـــت گروهی فقط یکی از منابع نگرانی جامعه است.

غالب اندیشـــمندان غربـــی – از جمله اندیشمندان مکتب کپنهاگ – موضوع یا مرجع اصلی امنیت اجتماعی، را ارزش های سنتی و از پیش موجودِ (Primordial) گروه های اجتماعی می‌دانند (ویور: ۱۹۹۳، ۱۰). این ارزش های ســـنتی مانند عقاید دینـــی، زبان و نوع پوشـــاک، در مجموع «هویت» گروه های مختلف را تشـــکیل می‌دهند. از این منظر، تصریح می‌شود که دولت، یگانه مرجع امنیت نیست، چه بسا هیچ تهدیدی تشـــکیلات دولتی و رسمی را تهدیـــد نکند، اما در عیـــن حال گروه های مختلف جامعه از هم گسیخته شوند و جلوه‌هایی از نارضایتی در قالب اعتراض، اعتیاد، بی‌اعتمادی، جنایت های سازمان یافته و یا موردی پشتوانه اجتماعی دولت را فرســـوده کنند. برخورداری از اهمیت برابر (با دولت) یکی از مسائل مورد تاکید در امنیـــت اجتماعی (نزد اندیشـــمندان غربی) است. بر این اساس، نابرابری باید تا حدی وجود داشته باشد که به نفع محروم ترین گروه های جامعه باشد و آزادی نباید به حدی برسد که برابری را فقط کانون های ثروت (سرمایه گذاران)، قدرت (حکام) و ایدئولوژی (کلیسا) تعریف کنند.

آخرین نکتـــه در گفتمـــان غربی امنیت اجتماعی، (علاوه بر برابری خواهی، اصالت هویت و ذهنی بودن بسیاری از دغدغه ها) ماهیت نسبی (Relational) ارزش های اساسی گروه ها اســـت. بدین مضمون که ارز شهای اساسی یک گروه در یک کشور متفاوت از ارزش های اساسی یک گروه در کشور دیگر شمرده می شود. ممکن است گروهی نسبت به اعتقادات دینی و گروهی دیگر نســـبت به زبان خود حساســـیت فوق‌العاده‌ای داشته باشد. این نکته را نباید فراموش کرد که در برداشـــت غربیان از امنیت اجتماعی، تحدید یا گسترش ارزش های حیاتـــیِ متعلق به گروه های خاص در جامعه، ربط وثیقی بـــا معادلات قدرت در سطح منطقه و نظام بین‌الملل دارد.

طی دوران جنگ سرد (۱۹۹۰ – ۱۹۴۵) بین دولت (State) و جامعه (Society) وجه فارقی وجود داشت و اساساً، این دولت بود که هم تهدید می‌کرد و هم تهدید می‌شد. اما طی دو دهه اخیر با دگرگونی غیرقابل انکار وزن و رابطه جامعه – دولت و توانمند شدن زایدالوصف جوامع در قبال دولت‌ها، امنیت جامعـــه (Community Security) اعتبار شـــایانی یافته و حتی مقوله مستقل و جدیدی به نام «امنیت اجتماعی» پدیدار شده است. نکته دیگر اینکه، مفهوم رضایت اجتماعی نه تنها خاستگاه و پایگاه اجتماعی امنیت را برجسته ساخته، بلکه درجه قوت دولت ها هم به مشـــروعیت سیاسی و آنها بســـتگی یافته است. نارضایتی شهروندان، خود به خود نوعی آســـیب پذیری درونی اســـت که زمینه تهدید از بیـــرون را مهیا می‌سازد.

ویور در رساله دکتری خود عنوان کرد که امنیت اجتماعی عبارت اســـت از توانایی گروه هـــای مختلف صنفـــی، قومی، ملی، جنسی و ... در حفظ و هویت یا ارزش های ســـنتی و ازلی خود. تعریف ویور مشخصاً برداشت غربی و یا اروپایی امنیت اجتماعی را منعکس می سازد.

همانطور که در امنیـــت ملی، دولت مرجع امنیت به شـــمار می‌آید و در امنیت فردی، فرد به عنوان مرجع امنیت تلقی می شود در امنیت اجتماعی، مرجـــع امنیت گروه است.

بر این اســـاس در گفتمان غربی و به ویژه اروپایی مهمترین مساله «امنیت اجتماعی» بقای هویت گروهی اســـت. به عبارت دیگر در جهـــان جدید، گروه هـــا تمایل ندارند هویت یا مایـــی(we-ness) خود را در هویت یا ماهای دیگـــر هضم کنند بلکه به واسطه دسترســـی به امکاناتی که پیش از این در انحصار دولت بود (مانند اطلاعات)، می‌خواهند از حالـــت من منفعل (Me) به صورت من فعال (I) درآمده و هســـتی و بالندگی خود را تثبیت کنند.

با تغییـــر کانون توجه مباحـــث امنیتی از کشورهای غربی به کشورهای جهان سوم، به نظر می‌رسد که این تعریف، برخاسته از مسائل جهان سوم نیست و دشواری های پیش‌روی جهان ســـوم قدری متفاوت و در عین حال پیچیده‌تر است.

یزید سایق در کنار دانشمندانی چون محمد ایوب و باری بوزان معتقد است که دولتهای جهان سوم برخلاف کشـــورهای پیشرفته غربی معضلات امنیتی حـــادی دارند، در این کشـــورها «آنچه در معرض خطر است تبـــار یک گروه یا حکومت خاص نیســـت بلکه بقای کشور است یعنی موجودیتی که تجلی کنش متقابل مردم، سرزمین و قدرت می‌باشد...

کارتون روز

روزنامه افغانستان ما The Daily Afghanistan Ma

❑ بنیان گذار: داکتر حسین یاسا
❑مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳٤۱۸٦۱
❑سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱۵۷۳۷۱

❑ کاریکاتوریست: خالق علی زاده

❑دیزاین:علی‌اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
❑مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

❑آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر V- ۱۳۷

Daily Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Newspaper

◇

روزنامۀافغانستان ما از همۀ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدۀ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

◇

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com